

## حکومت مردم کدام؟، مردم سالاری چی؟ و پارلمان چگونه باید باشد؟

تقدیم به زمامدارانی که کشور را بنام دموکراسی وارداتی « به عقیده آقای بشردوست »  
بطرف دیوانه کراسی و بیگانه کراسی کشانده اند -  
قسمت سوم - پژوهش ( نبرد - همگام )



### پارلمان و شیوه های پارلمانی



هر کشوری برای تدارک زندگی اجتماعی افراد جامعه، برقراری نظم و امنیت، حفظ حقوق و آزادی ملت و اعمال حاکمیت، نیاز به قانون دارد و این نهاد وظیفه قانون گذاری را انجام دهد. به این ترتیب، فقط اجتماع نمایندگان ملت در يك یا دو مجلس رواج پیدا کرده و در قالب قوانین اساسی کشورهای دنیا پذیرش شده است. اما شرایط برگزاری انتخابات، حق کاندید شدن افراد، مرجع برگزار کننده انتخابات، شرایط رأی دهندگان و انتخاب شوندهگان، اکثریت نسبی یا مطلق بودن، يك یا دو مجلسی بودن، تبلیغات انتخاباتی، صحت امر انتخابات و صدها مسأله دیگر که در امر تشکیل پارلمان پیش می آید، در کشورهای مختلف متفاوت است. و اقتدار و اختیارات پارلمان ها در همه جا یکسان نیست.

پارلمان و شیوه های انتخاباتی قرن هجدهم در فرانسه قرن بیداری و آزادی طلبی بود؛ فرانسه دروازه ای بود که باید آزادی از میان آن گذر می کرد و به اروپا می رسید. طبیعی بود که در این میان علاوه بر طرح مباحث سیاسی و فلسفی، موضوعات حقوقی نیز جایگاه نخست را در محافل روشنگری پیدا کند. یکی از مسائل مورد بحث این بود که چگونه میان حفظ حقوق فردی و برقراری نظم اجتماعی، توازن برقرار می شود. «منتسکیو» اندیشمندی که با مباحث فلسفه ی حقوق پا در میان عرصه نهاد و کتاب «روح القوانين» را به رشته ی تحریر درآورد، در پاسخ به سوال بالا، نظریه تفکیک قوا را مطرح کرد. وی اظهار داشت که برای ممانعت از چیرگی استبداد سیاسی و تمرکز قدرت، باید وضع، داوری و اجرای قانون به سه قوه منفک از یکدیگر تفویض شود. این نظریه از آن زمان تا کنون در جهت شالوده سازی قوانین جهان غرب به کار گرفته شده است. البته نظریه تفکیک قوا به دو شاخه منشعب گردید. یکی آنکه قوای سه گانه باید به طور مطلق از یکدیگر متمایز شوند و در حیطه ی مسئولیت های همدیگر، دخالت نکنند. آنچه که اکنون به عنوان سیستم ریاستی مطرح می شود و در قانون اساسی آمریکا اعمال شده است، نتیجه ی این نظریه می باشد. در این نظام، نقش ریاست جمهوری و صدر اعظمی هر دو بر دوش یک نفر است. رئیس جمهور در یک انتخاب دو مرحله ای برای چهار سال انتخاب می شود و همه وزیران را او انتصاب می کند.

شاخه دوم نظریه تفکیک قوا، بر این اندیشه است که رابطه ی میان قوای سه گانه یک رابطه ی ارگانیکی است. لذا

تفکیک قوا به شکل مطلق امکان ندارد. نتیجه این نظریه رژیم پارلمانی است که در کشورهایی چون جرمنی، انگلیس و فرانسه اعمال می شود. در این رژیم قوه ی مجریه بر دو پایه ی پادشاه یا رئیس جمهور و صدراعظم استوار است. صدراعظم ریاست کابینه را بر دوش دارد و در مقابل پارلمان باید پاسخگو باشد. پارلمان می تواند وزیران را مورد استیضاح قرار دهد و با دادن رای عدم اعتماد، حکومت را براندازد. قوه مجریه نیز می تواند پارلمان را منحل کند. در برخی کشورهای جهان نوعی ترکیب میان نظام ریالیستی و پارلمانی بوجود آمده است. در افغانستان، اغلب نظام پارلمانی حاکم بوده است بویژه در دهه دموکراسی. اما در عهد محمد داود خان، مقام صدراعظمی حذف شد ولی در دوران حاکمیت ج.د.خ. ۱، نظام صدارت و دو پایه بودن قوه ی مجریه احیا گردید و در قانون اساسی کنونی، نظام ریاستی، برگزیده شد.

امروز در اغلب کشورهای جهان، قوه مقننه جایگاه خاصی در ساختار قوای خود دارد و ضرورت آن امری بدیهی انگاشته می شود. اکنون باید نظام پارلمانی یک مجلسی و دو مجلسی را مورد بررسی قرار دهیم.

در قرن چهاردهم، کشور انگلیس، نظام پارلمانی دو مجلسی را بنیاد نهاد و سپس در دیگر نقاط جهان پیاده شد. در ایالات متحده آمریکا، اختیارات قانون گذاری به کنگره که متشکل از مجلس سنا و مجلس نمایندگان است، واگذار می شود. مجلس اول که مرکب از نمایندگان مردم است، از طریق انتخابات همگانی و مستقیم انتخاب می شود اما مجلس دوم به دو روش دموکراتیک و غیر دموکراتیک تشکیل می گردد در روش غیر دموکراتیک، اعضای مجلس سنا به شکل موروثی و یا از سوی حکومت و گروهی ذی دخل در روابط اقتصادی و سیاسی، برگزیده می شوند. در روش دموکراتیک، نمایندگان مجلس دوم نیز مانند مجلس اول با انتخاب مردم برگزیده می شوند. اما در روش این انتخاب، تدابیر مختلفی اتخاذ می شود؛ از جمله اینکه مجلس نخست با انتخابات مستقیم و اعضای مجلس دوم با انتخابات غیر مستقیم دو مرحله ای برگزیده می شود. مجلس اول با نظام انتخاباتی اکثریتی و مجلس دوم با انتخابات تناسبی برگزیده می شوند. در کشورهایی که با سیستم فدرالی اداره می شوند؛ درباره ضرورت مجلس دوم، بحثی وجود ندارد اما در کشورهای دارای سیستم ساده، اختلاف نظرهایی بروز می کند.

طرفداران نظام دو مجلسی استدلال می کنند که این سیستم می تواند دموکراسی را به شکل گسترده به ظهور رساند زیرا تعدد شیوه انتخاب نمایندگان و تفاوت نظام های انتخاباتی باعث تقویت و تبلور اراده ی اکثریت می شود. نظام های انتخاباتی بر سه گونه است: 1- نظام انتخاباتی اکثریتی 2- نظام انتخاباتی تناسبی 3- نظام انتخاباتی ترکیبی.

نظام انتخاباتی اکثریتی نیز بر دو گونه است الف- نظام اکثریت نسبی ب- نظام اکثریت مطلق. در نظام اکثریت نسبی، هر نامزدی که آرای بیشتری بدست آورد، برنده خواهد بود هر چند که جمع آرای او نسبت به جمع کل آراء در اقلیت باشد. این نظام در انگلستان اعمال می شود. در نظام اکثریت مطلق، برای بدست آوردن آن روش های متعددی وجود دارد. اکثریت مطلق، یعنی حداقل نصف به علاوه ی یک از کل آرای اخذ شده را باید به دست آورد. در نظام انتخاباتی تناسبی هر یک از احزاب سیاسی به تناسب میزان آرای خود در انتخابات می توانند کرسی ها را اشغال کنند. در این نظام هیچ گروهی از مشارکت در پارلمان محروم نمی ماند مگر آنکه حداقل تعیین شده را هم بدست نیاورد. اما عمده ترین نقص این نظام آن است که حزب گرایی و حاکمیت احزاب، پر رنگ می شود و در جایی که فرهنگ حزب وجود نداشته باشد، به بی ثباتی و ناپایداری سیاسی می انجامد.

در نظام انتخاباتی ترکیبی از هر دو شیوه ی اکثریتی و تناسبی استفاده می شود. در این نظام، رای دهندگان دو بار رای می دهند یک بار به نامزدها در حوزه های کوچک انتخاباتی و بار دیگر به فهرست ها در حوزه های بزرگتر، مثلاً در جرمنی، 50% از کرسیهای مجلسی فدرال به نامزدهای لیستها یا احزاب سیاسی و 50% دیگر به نامزدهای حوزه ها تعلق می گیرد. با رای به لیست یکی از احزاب، نمایندگانی را در سطح ایالات بر می گزینند و در میان لیستهای از پیش تعیین شده یکی را بر می گزینند. تقسیم 50% مجلس فدرال میان این فهرستها با روش تناسبی صورت می گیرد اما با رای دوم رای دهندگان، نامزد هر حوزه از طریق نظام اکثریت نسبی انتخاب می شود که مجموع نامزدهای برنده ی حوزه ها 50% دیگر نمایندگی های مجلس را به خود اختصاص می دهند.

## افغانستان



در افغانستان، در اغلب موارد از سیستم دو مجلسی استفاده شده است و در قانون اساسی 1343 و قانون کنونی شورا دارای دو مجلس ولسی جرگه و مشرانو جرگه (مجلس عوام و مجلس اعیان) تعیین شده است. نوع نظام انتخاباتی نیز تاثیر بسزایی در مشارکت ملی و پایه ریزی نظام سیاسی دارد.

پارلمان افغانستان، در حقیقت شکل تحول یافته لویه جرگه افغانی، تحت شرایط متحول و نو شونده جهانی است. از ظهور احمد شاه ابدالی تاکنون همواره اجتماعاتی از متنفذین، جهت حل برخی از مشکلات، توسط امرای فرمانروایان و دوست ها ی افغانستان تشکیل می شده است. امان الله خان که کمابیش تحت تاثیر افکار غرب قرار گرفته بود، برای اولین بار در «نظامنامه» مصوب لویه جرگه 1303 تفکیک قوای سه گانه را مطرح کرد و به نام «شورای دولت» تاسیس کرد. تعداد آن 50 نفر بود و نیمی از این 50 نفر انتصابی و نیم دیگر انتخابی بود که انتخابی ها نیز از میان متنفذین بایست انتخاب می شدند. حکومت امان الله خان، پیش از این که بتواند کار جدی به نفع مردم انجام دهد در سال 1307 سقوط کرد. پس از امان الله خان در حکومت 9 ماهه حبیب الله کلکانی، چندان سخن قانون و مرکز قانونگذاری در میان نبود. برای اولین بار نام «شورای ملی» پس از تسلط نادر خان بمیان آمد. وی که پس از شکست دادن، حبیب الله کلکانی در 23 میزان 1308 قدرت را بدست آورد، طی اطلاعیه ای 10 ماده ای خط مشی حکومت خود را اعلام کرد که ماده دهم آن اختصاص به نمایندگان مردم دارد و در آن چنین آمده است: «وکلا ی ملت از تمام اهالی به مرکز می رسند - صورت انتخاب بطور سابق بوده - وکلا را اهالی از دانشمندان و علما و صادقان و بهی خوانان که ملت بر آنها اعتماد کلی داشته باشند. انتخاب خواهند کرد. - ریاست شورا حق تفتیش خواهد داشت - رئیس شورا از طرف وکلای ملت انتخاب می شود. « لویه جرگه 1309 که توسط نادرخان تشکیل شد، لایحه انتخابات شورای ملی را تصویب کرد که بر اساس آن بایست نمایندگان مردم انتخاب می شدند.

در اصول اساسی که در حقیقت قانون اساسی مورد نظر نادر خان بود، در مورد صلاحیت و اختیارات شورا چنین آمده است: «مجلس شورای ملی امورات داخلی خود را مثل انتخاب رئیس اول و ثانی و هیات تحریر و سایر اجزا و اصول مذاکرات و شعبات و غیره بر اساس اصول نامه داخلی دایر خواهد کرد. کلیه اصولات و ضوابطی که وضع و موجودیت آن برای تشدید مبانی حکومت و انتظام امور مملکتی لازم باشد به تصویب مجلس شورای ملی میرسند.

تقویه امورات مالی رد یا قبول عوارض و فروعات و هم متمیزیهای جدیدی که دولت اقدام نماید، به تصویب مجلس خواهد بود. تدقیق و تصویب بودجه مملکت بعد از ترتیب و پیشنهاد وزارت مالیه از وظایف شورای ملی است. وضع اصولنامه جدید و یا تغییر وضع قوانین مقرر به تصویب شورای ملی صورت خواهد گرفت خواه لزوم آن از مجلس عنوان و خواه از طرف وزرا اظهار شده باشد. تصویب امتیاز - تشکیل کمپانی ها و شرکت های عمومی از هر قبیل و بهر عنوانی که باشد از طرف شورای ملی خواهد بود.

عقد مقاولات و معاهدات اعطای امتیازات (انحصار) اعم از تجارتي و صنعتی و فلاحتی و غیره خواه از طرف داخله باشد یا خارجه به تصویب مجلس شورای ملی میرسد. استقراض دولتی اعم از اینکه داخله یا خارجه بهر عنوان و اسم باشد به اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی کرده خواهد شد. تمدید خط آهن و شوسه به پول دولت و یا به خرج شرکت و کمپانی های داخلی و یا خارجی - تماما وابسته به تصویب مجلس شورای ملی است. مجلس شورای ملی حق دارد که در اوقات لازمه عریضه به پیشگاه همایونی تقدیم دهد. اما تقدیم این عریضه به همه حال بتوسط هیاتی مرکب از رئیس و شش نفر اعضا که سایر طبقات از بین خود انتخاب می کنند - خواهد بود و وقت شرفیابی حضور هم اولاً توسط وزارت دربار استیذان می شود. « بر اساس همین اصول اساسی «مشرانو جرگه» یا به تعبیر فارسی زبانان آن وقت مجلس عالی اعیان نیز بایست به صورت نیمه انتخابی و نیمه انتصابی تشکیل می شد و قانون عبارت بود از مصوبه هر دو شورا که بعد از توشیح شان قابلیت اجرا را می یافت. اولین اجلاس شورای ملی در عصر نادر خان در 14 سرطان 1310 تشکیل شد و همین دوره در تاریخ رسمی افغانستان بعنوان اولین دوره پارلمان افغانستان بحساب آمد. تا سیزدهمین دوره آن که در سال 1352 با کودتای داوود خان منقرض گردید.

هنوز دوره سه ساله ای شورای ملی تمام نشده بود که موسس آن (نادر خان) در تاریخ 16 عقرب 1312 ترور شد، بعد از آن جریان پارلمان کما بیش به همان سبک و سیاق ادامه یافت، تا سال 1343 که در اثر تحولات بزرگ جهانی و مبارزات مردم افغانستان، قانون اساسی جدید تصویب گردید که آن قانون اساسی اختیارات و صلاحیت های مناسب و لازم را به پارلمان مسنول بود. اعضای شورا در برابر اظهارات شان در مجلس مصونیت داشتند و ... اولین پارلمان افغانستان که تاحد زیادی عاری از اعمال نفوذ مستقیم دولت بود و در آن نمایندگان گروه های چپ مخالف دولت و روشنفکران آزادی خواه، نیز حضور داشتند در 19 میزان 1344 با عضویت 216 تن، اولین اجلاس خود را دایر نمود؛ که متأسفانه به جنجالها و دردرهای سازماندهی شده از خارج پارلمان روبه رو گردید، با وجود آن کار خود را به صورت نسبتاً خوب ادامه داد. دور بعدی پارلمان که در تاریخ رسمی افغانستان دوره سیزدهم خوانده می شود، بر همان مبنا در 22 میزان 1354 تشکیل گردید و کارهای نسبتاً مطلوبی را نیز انجام داد، اما پیش از آن که عمر قانونی آن به سر برسد، توسط کودتای داوود خان در سال 1352 منقرض گردید.

داوود خان که از پارلمان های گذشته افغانستان خاطره خوشی نداشت، و می خواست مطابق میل خود، حکومت را براند، با تشکیل بومی لویه جرگه فرمایشی در ماه دلو 1355، نظام تک حزبی، قانون سیاسی مورد نظر و تمدید ریاست جمهوری خود را تصویب کرد. پس از ثور 1357، مجالس گوناگونی جهت تحکیم پایه های نظام و

مشروعیت بخشیدن به حکومت تشکیل گردید . پس از سقوط نجیب ویورش مجاهدین ، دولت ربانی ، مجلسی را تحت عنوان «شورای اهل حل و عقد» به منظور تمدید ریاست جمهوری وی و تامین اهداف مورد نظر دیگر ، مرکب از 1313 نفر ، در هوتل اینتر کانتیننتال ، به ریاست نور الله عماد د رنو جدی 1371 تشکیل داد ، ولی از آن جهت که نمایندگان واقعی مردم حضور نداشتند و بسیاری از سران جهادی نیز با آن موافقت نداشتند ، عملاً کاری را در جهت حل بحران کشور و کنترل جنگها از پیش نبرد و تنها به گونه صوری ریاست جمهوری ربانی را تمدید کرد. پارلمان در دوره کرزی

روند دولت سازی افغانستان از موافقت نامه بن آغاز شد که بر اساس آن طرح پنج مرحله یی صلح سازمان ملل متحد برای افغانستان به اجرا در آمد. طرح مذکور که از شکل گیری دولت موقت و انتقال مسالمت آمیز قدرت به آن، آغاز و بابرگزاری انتخابات پارلمانی و شکل گیری قوه مقننه و پارلمان کشور پایان یافت، در مجموع مکانیزم ورود افغانستان به مرحله در ظاهر دموکراسی (در اصل بیگانه کراسی) را ترسیم میکند. براین اساس میتوان گفت افغانستان جدید که پس از موافقت نامه بن پا به عرصه وجود نهاده است، یک کشور نه دموکراتیک، نه دموکراسی، نه مردم سالاری و نه اسلامی است.

اظهاراتی که در رابطه با تصمیم دموکراتیک و قانونمند پارلمان افغانستان مبنی بر استیضاح و سلب اعتماد از وزیر سابق امور خارجه صورت میگیرد، اعتماد ملت افغانستان را نسبت به عزم جامعه جهانی کاهش داده و اطمینان ایشان را نسبت به پایبندی جامعه جهانی به ویژه سازمان ملل متحد و آرمانها و شعارهای دموکراسی در افغانستان متزلزل خواهد نمود. پس بایسته و شایسته آن است که مجامع جهانی و نهاد های بین المللی و نیز کشورهای همکار و حامی افغانستان، نگران دموکراسی در افغانستان باشند، نه نگران وضعیت و موقعیت اشخاص و افراد. شورای ملی به حیث عالی ترین ارگان تقنینی است و از قاطبه ملت نمایندگی می کند. هر عضو شورا در موقع اظهار رأی ، مصالح عمومی و منافع علیای مردم افغانستان را مدار قضاوت قرار می دهد. بخاطرکه کرزی به میله تفنگ خارجیها وزیر خارجه را در وزارت خارجه نگهداشت.

ماده 81 قانون اساسی  
قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان ( ماده هشتاد و یکم) شورای ملی انچنانکه در قانون اساسی ترسیم شده است ، متشکل از دو مجلس می باشد: ولسی جرگه (مجلس نمایندگان ) و مشرانو جرگه ( مجلس سنا)  
مسئولیت ها شورای ملی

- شورای ملی دارای صلاحیتهای ذیل می باشد:
- تصویب، تعدیل یا لغو قوانین و یا فرامین تقنینی ،
  - تصویب پروگرامهای انکشافی اجتماعی ، فرهنگی ، اقتصادی و تکنالوژیکی ،
  - تصویب بودجه دولتی و اجازه اخذ یا اعطای قرضه ،
  - ایجاد واحدهای اداری ، تعدیل و یا الغای آن ،
  - تصدیق معاهدات و میثاقهای بین المللی یا فسخ الحاق افغانستان به آن ،
  - سایر صلاحیتهای مندرج این قانون اساسی .

ماده نود قانون اساسی  
شورای ملی کنونی  
شورای ملی از طریق اولین انتخابات آزاد در طی سی سال اخیر با اشتراک قابل ملاحظه ( 53% 12.5 از جمله 12.5 میلیون رای دهندگان راجستر شده 43% - زنان ) به تاریخ 27 سنبله سال 1384 تشکیل گردید. حامد کرزی به تاریخ 28 ماه قوس سال 1384 اولین جلسه شورای ملی را افتتاح و مراسم تحلیف 351 عضو هر دو مجلس را بجا کرد.

ولسی جرگه ( مجلس نمایندگان)  
ولسی جرگه دارای 249 کرسی می باشد و اعضای آن مستقیماً توسط مردم انتخاب می شوند .  
شصت و هشت خانم به این کرسی ها که بر اساس قانون اساسی برای شان محفوظ بود انتخاب شدند در حالیکه 17 تن آنان از طریق ارا مستقلاً انتخاب گردیدند . برای هر ولایت نظر به نفوس آن در ولسی جرگه کرسی داده شده و هر عضو ولسی جرگه برای دوره پنج ساله انتخاب می شود که به تاریخ اول سرطان سال 1390 (21 ماه جون سال 2010) به پایان می رسد .

شرایط مسحق بودن کاندیدان:  
کاندید مستحق ولسی جرگه باید واجد شرایط ذیل باشد :

حد اقل 25 سال سن

تبعیت افغانستان

به حیث رای دهنده ثبت نام کرده باشد

تنها برای نمایندگی یک ولایت کاندید باشد

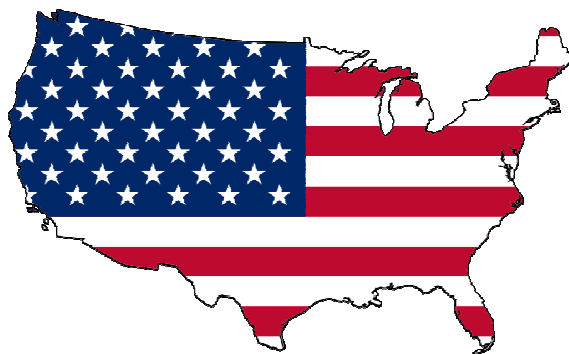
پرداخت فیس ثبت نام ، پانزده هزار افغانی معادل تقریباً \$300 که در صورت دریافت حد ال 3% ارا دوباره به آنها پراخته می شود.

تهیه فارم کاندیدا که حاوی 500 تذکره اشخاص طرفدار باشد .  
بر علاوه ، هیچ کاندیدی نمی تواند متهم به جرایم علیه بشریت باشد .  
مشرانو جرگه (مجلس سنا) :

مشرانو جرگه متشکل از ترکیب اعضای انتخاب شده و تعیین شده می باشد که مجموعاً شامل 102 عضو است .  
شصت و هشت عضو از میان 34 اعضای منتخب شورای ولایتی برگزیده شده و 34 عضو دیگر توسط رییس جمهور  
تعیین شده اند . تعیینات رییس جمهور کرزی توسط یک کمیسیون مستقل انتخابات تحت حمایت ملل متحد بررسی  
شده و شامل 17 تن زن می باشد که مطابق به مقررات قانون اساسی 50 در صد افراد تعیین شده تشکیل می  
دهند .

هر شورای ولایتی یک عضو شورا ی مذکور را برای اشتراک در مشرانو جرگه انتخاب کرده است . ( جمعاً 34  
عضو از شورا های ولایتی ) و همچنان شورا های ولسوالی ها 34 عضو را از میان اعضای خود برای نمایندگی در  
مشرانو جرگه انتخاب می کنند . نمایندگان شورای ولایتی دوره خدمت چار ساله خواهند داشت در حالیکه دوره کار  
نمایندگان شورا های ولسوالی سه سال خواهد بود . صیغت اله مجددی رییس مشرانو جرگه تعیین گردیده است .  
این تعمیر در سال 1338 هـ ش برای استفاده کلوب اتفاقی تجارت در مسیر سرک دارالامان شهر کابل اعمار گردیده ، که  
از سال 1343 هـ ش ، یعنی دوره دوازدهم شورای ملی افغانستان تا سال 1370 هـ ش مورد استفاده شورای ملی  
قرار داشت . این تعمیر در اثر جنگهای دهه هفتاد آسیب دید و قسماً تخریب گردید که در سال 1384 هـ ش به اثر  
فرمان رییس جمهور و نظارت دارالانشای موقت شورای ملی توسط وزارت شهر سازی و مسکن دوباره بازسازی  
شده و بار دیگر در اختیار شورای ملی افغانستان قرار گرفت . این تعمیر که 14352 مترمربع زمین را احتوانموده  
است ، بر علاوه دفاتر ، دوتالار برای اجلاس ولسی جرگه و مشرانو جرگه ، یک ساختمان شش منزله برای استفاده  
کمیسیون ها ، کتابخانه مجهز و مدرن که به آینده نزدیک افتتاح خواهد شد ، اتفاقی پذیرایی ، اتفاقی امنیتی و یک  
رستوران مدرن دارد ، که تعداد آن جمعاً به 127 اتاق میرسد .

## ایالات متحده امریکا



قانون اساسی امریکا اختیار انحصاری وضع قانون را به کنگره واگذار کرده است . کنگره امریکا مرکب از دو مجلس  
است : مجلس نمایندگان و مجلس سنا . تعداد نمایندگان مجلس نمایندگان به تناسب نفوس تعیین می شود . ایالاتی که  
کمتر از حد نصاب نفوس دارند که صرف نظر از تعداد نفوس ، يك نماینده در مجلس نمایندگان دارد . یعنی شش ایالت  
که نفوس آنها به حد نصاب نمی رسد ، هر کدام فقط يك نماینده دارند ، مثل آلاسکا و ایومینگ که حدود سیصد هزار نفر  
نفوس دارند . دیگر ایالات به نسبت هر 380 هزار نفر يك نماینده دارند .

مجلس نمایندگان در حدود 440 نفر عضو دارد . هر ایالت صرف نظر از وسعت و نفوس ، دو نفر عضو در سنا  
دارد ؛ از این رو جمع سناتورها یکصد نفرند . از شرایط انتخاب سناتورها ، حداقل سی سال سن ، نه سال تابعیت امریکا  
و ساکن ایالات بودن است که به مدت شش سال انتخاب می شوند و انتخاب هر دو سال تجدید می شود . هر دو سال ،  
انتخاب يك سوم سنا به همراه انتخاب اعضای مجلس نمایندگان که دوره شان دو سال بوده انجام می گیرد . انتخاب  
سناتورها قبلاً به وسیله مجلس مقتنه انجام می شد ، ولی طبق هفدهمین متمم قانون اساسی امریکا انتخاب مستقیماً به  
وسیله مردم ایالت صورت می گیرد . رسیدگی به اعتبار نامه و احراز شرایط در مورد هر يك از اعضا به عهده همان  
مجلس است . اعضای دو مجلس از توقیف مصون هستند ، مگر در صورت ارتکاب خیانت یا جنایت یا بر هم زدن نظم .  
رهبر حزب اکثریت در مجلس به ریاست مجلس نمایندگان انتخاب می شود . ریاست مجلس سنا با معاون رئیس جمهور  
است . جانشین رئیس مجلس سنا به وسیله حزب اکثریت انتخاب می شود تا در موقع غیبت رئیس ، جلسه را اداره کند .  
مجلس سنا شانزده کمیسیون و مجلس نمایندگان بیست و دو کمیسیون دارد که به طرح های در دستور ، رسیدگی  
می کنند .

کنگره امریکا صلاحیت قانون گذاری در زمینه هایی را دارد که در قانون اساسی به طور صریح یا به نحو ضمنی و یا  
با ملازمه به آن واگذار کرده است . بقیه موارد قانون گذاری به عهده قوه مقتنه ایالت است . قوه مقتنه ایالات ، واجد  
صلاحیت عام و مطلق است مگر در مواردی که به موجب قانون اساسی فدرال ممنوع شده یا به عهده قوه مقتنه

حکومت مرکزی گذاشته شده است. هر چند رژیم امریکا، رژیم ریاستی است. اما قانون اساسی آن ضمن تخصیص کامل هر يك از قوا به يك شاخه حکومت، تکه‌های کوچک‌تری از هر يك را به هر شاخه حکومتی داده است.

رئیس جمهور امریکا با وجود این که اقتدار منحصر اجرایی را دارد و دارای اختیارات زیاد و مسؤلیت سنگین است، ولی به مجلس سنا هم حق داده شده تا قراردادهای دولت را تصویب کند یا در مورد انتصاب مقامات عالی کشور نظر دهد. همه قراردادهای دولت امریکا باید به تصویب 23 اعضای سنا برسد؛ برای مثال پس از پایان جنگ جهانی اول، قرارداد معروف ورسای را سنای امریکا رد کرد و این کشور نتوانست عضو جامعه ملل گردد. هر گاه رئیس جمهور به دلخواه عمل کند، ممکن است با اعلام جرم کنگره علیه وی مواجه شود؛ از این رو لذا خطر اعلام جرم مانند شمشیر داموکلس بر سر رئیس جمهوری امریکا آویزان است. قوه قضاییه در امریکا نیز با این که مستقل شناخته شده، اما از نفوذ کنگره مصون نیست. کنگره حق دارد علیه قضاوت اعلام جرم کند و از سوی دیگر، انتصاب قضات فدرال توسط رئیس‌جمهور و با رضایت مجلس سناست. کنگره هم حق تعیین عده قضات دیوان عالی و تعیین حقوق آنها را دارد. کنگره همچنین می‌تواند صلاحیت استینافی دادگاه‌های فدرال را محدود کند.

قانون‌گذاران امریکایی کوشیده‌اند تا اختیارات قانون‌گذاری دو مجلس با هم برابر باشند. این تساوی در همه موارد رعایت شده، جز در مورد حق ابتکار (طرح) در زمینه قوانین مالی و مالیاتی. این حق انحصاری مجلس نمایندگان است؛ اما در عوض به مجلس سنا حق داده شده است تا طرح‌های مصوب نمایندگان در زمینه مسائل مالی و مالیاتی را حک و اصلاح کند. این امر تا حدودی حق انحصار مجلس نمایندگان را تعدیل می‌کند. در سایر موارد قدرت سیاسی بین دو مجلس به طریق زیر توزیع شده است:

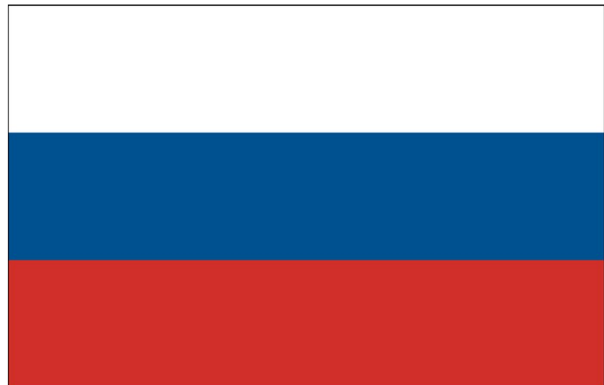
- در صورتی که هیچ کدام از نامزدهای ریاست جمهوری نتوانند در انتخابات اکثریت لازم (نصف به علاوه یک هیأت انتخاب کننده) را به دست بیاورند، مجلس حق دارد از میان سه نامزدی که بیشترین آرا را به دست آورده‌اند یکی را به ریاست جمهوری انتخاب کند. همچنین مجلس سنا می‌تواند، در کیفیت مشابه، از میان دو نامزد معاونت که بیشترین آرا را به دست آورده‌اند یکی را به معاونت ریاست جمهوری برگزیند.

- در آیین محاکمات سیاسی مسؤلان اجرایی، اگر رئیس جمهور، معاون وی، وزیران و سایر مسؤلان سیاسی فدرال دست به اعمالی زنند که از لحاظ حقوق جزای امریکا جرم شناخته شده باشد، مجلس نمایندگان پس از رسیدگی در تهیه مقدمات کار و صدور ادعای علیه فرد متهم، پرونده امر را تکمیل کرده و برای رسیدگی و صدور حکم به مجلس سنا ارسال می‌دارد و مجلس سنا نظیر يك دادگاه رأی خود را مبنی بر محکومیت یا برائت متهم صادر می‌کند.

- در انتصاب وزیران، دیپلمات‌ها، مستشاران دیوان عالی فدرال، رئیس جمهور باید با تأیید مجلس سنا اقدام کند علاوه بر آن، مجلس سنا در تصویب قراردادهای بین‌المللی نیز مشارکت دارد.

بنابراین، با وجود تلاش قانون‌گذار در توزیع مساوی قدرت بین دو مجلس، با این حال کفه قدرت به سود مجلس سنا سنگینی می‌کند و این امر برای برجسته کردن خصلت فدرال دولت امریکا و مشارکت نمایندگان دولت‌های عضو در حساس‌ترین تصمیم‌گیری‌های دولت مرکزی بوده است.

## فدراسیون روسیه



پارلمان فدراسیون روسیه مرکب از شورای فدراسیون و دوما دولتی است. شورای فدراسیون ترکیبی از نمایندگان دولت‌های عضو فدراسیون به اضافه یک نفر از ارگان نمایندگی و یک نفر از ارگان اجرایی است و دوما دولتی متشکل از 450 نماینده می‌باشد. دوره هر يك از دو مجلس، چهار سال است و روسی‌های 21 ساله به بالا می‌توانند عضو دوما دولتی یا شورای فدراسیون شوند.

نمایندگان هر دو مجلس در زمان نمایندگی از مصونیت برخوردارند و آنها را نمی‌توان توقیف کرد یا مورد تفتیش و بازجویی قرار داد، مگر این که در محل وقوع جرم دستگیر شود و یا مطابق قانون فدرال، امنیت دیگران را به خطر انداخته باشد. شورای فدراسیون و دوما دولتی جلسات جداگانه علنی دارند و امکان غیر علنی تشکیل شدن وجود دارد. جلسات مشترك دو مجلس برای شنیدن پیام رئیس جمهور یا پیام دادگاه قانون اساسی یا سخنان رهبران کشورهای خارجی تشکیل می‌گردد. هر يك از دو مجلس از بین اعضای خود رئیس و معاون انتخاب می‌کند و دارای کمیته‌ها و کمیسیون‌هایی هستند. قوانین فدرال در دوما دولتی تصویب و در مهلت پنج روز برای تصویب به



شورای فدراسیون تسلیم می‌شود. اگر بعد از چهارده روز شورای فدراسیون نظر خود را درباره مصوبه ابراز نکند یا بیش از نیمی از نمایندگان شورای فدراسیون به آن رأی دهند قانون مورد نظر مصوب شورای فدراسیون محسوب می‌شود و در صورت رد مصوبه در این شورا، دو مجلس برای حل اختلاف، کمیسیون سازش تشکیل می‌دهند و مصوبه دوباره به دوما دولتی بازمی‌گردد و اگر دوما دولتی نظر شورای فدراسیون را نپذیرد و مجدداً با 23 آرای دوما دولتی تصویب گردد قانون پارلمان محسوب می‌گردد. بر اساس ماده 102 قانون اساسی روسیه، اختیارات شورای فدراسیون از این قرار است:

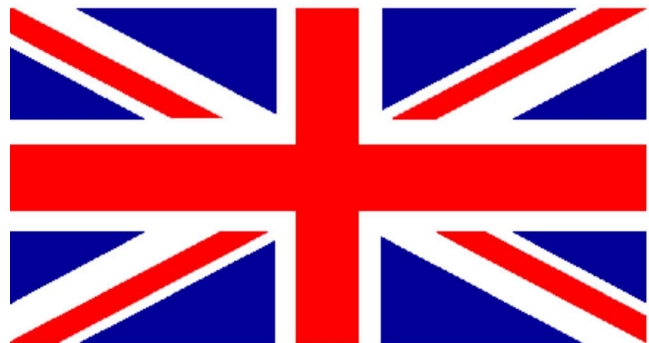
- . تصویب تغییرات در مرزهای بین اعضای فدراسیون روسیه؛
- . تأیید فرمان رئیس جمهور درباره اعلام حالت فوق‌العاده؛
- . تأیید فرمان رئیس جمهور درباره اعلام حکومت نظامی؛
- . تصمیم‌گیری درباره امکان استفاده از نیروهای مسلح فدراسیون روسیه در خارج از خاک فدراسیون روسیه؛
- . تعیین تاریخ انتخابات رئیس‌جمهوری فدراسیون روسیه؛
- . برکناری رئیس‌جمهور فدراسیون روسیه؛
- . انتصاب قضات دادگاه قانون اساسی روسیه، دادگاه عالی فدراسیون و حکمیت‌های فدراسیون روسیه؛
- . نصب و عزل ثارنوال عمومی فدراسیون روسیه؛
- . نصب و عزل معاون رئیس و نصف ترکیب اعضای اتاق محاسبات.

اختیارات دوما دولتی طبق ماده 103 قانون اساسی به شرح ذیل است:

- . صدور موافقت با انتصاب رئیس هیأت دولت فدراسیون توسط رئیس‌جمهور فدراسیون روسیه؛
- . حل مسأله اعتماد به هیأت دولت فدراسیون روسیه و استعفای آن؛
- . انتصاب رئیس بانک مرکزی فدراسیون روسیه و عزل وی؛
- . نصب و عزل رئیس اطاق محاسبات و نیمی از اعضای آن؛
- . نصب و عزل مأمور حقوق بشر که بر اساس قانون فدرال وابسته به قانون اساسی عمل می‌کند؛
- . اعلام عفو؛
- . ارائه اتهامات علیه رئیس‌جمهور، جهت برکناری وی.

موارد مذکور نشان‌دهنده نفوذ مجلس فدرال روسیه (شورای فدراسیون و دوما دولتی) در قوه مجریه و قوه قضاییه فدراسیون روسیه است. هر چند رئیس‌جمهور حق انحلال دوما دولتی را دارد، اما این حق انحلال مشروط گردیده است.

## انگلستان



در انگلستان - به موجب قانون اساسی که مدون نیست - پارلمان مرکب از مجلس لردها و مجلس عوام و پادشاه است. مجلس لردها 926 عضو دارد که 26 نفر از آنها روحانی یعنی مقامات عالی رتبه کلیسا و از جمله اسقف‌ها هستند. تعداد زیادی از لردهای غیرروحانی عضویت مجلس را به ارث برده‌اند و دسته‌ای دیگر شاهزادگانی هستند که پادشاه یا ملکه به عضویت مجلس منصوب کرده‌اند. نه تن از لردها قضاتی هستند که شاه به عضویت دیوان عالی کشور تعیین کرده است و بالاخره پادشاه این حق را دارد که هر کس را مایل باشد مادام‌العمر به عضویت مجلس لردها برگزیند. در این صورت مشورت با نخست‌وزیر تحت شرایطی لازم است. مجلس عوام 630 نماینده دارد. انتخابات این مجلس مستقیم و فردی است و هر حوزه انتخابیه یک نماینده به مجلس می‌فرستند.

در انگلستان حاکمیت مختص پارلمان است و در تمام این سرزمین اقتداری فوق‌اقتدار پارلمان مشاهده نمی‌شود. نه قانون اساسی مدونی هست که اختیار آن را محدود سازد و نه مراجع قضایی و دادگاه‌ها می‌توانند مصوبات پارلمان را نادیده بگیرند یا آن را ابطال سازند. دادگاه‌ها تکلیف دارند قانون پارلمان را همان گونه که هست بپذیرند و اجرا کنند. پارلمان حق دارد در مورد هر موضوع و نیز هر یک از دستگاه‌های حکومت و حتی هر یک از افراد جامعه، هر نوع قانونی به نحو مطلق یا مشروط وضع کند؛ همچنین حق دارد قوانین را عطف بماسبق کند و حقوق ثابت افراد را نادیده بگیرد و گروه‌هایی را از حقوق اجتماعی محروم سازد.

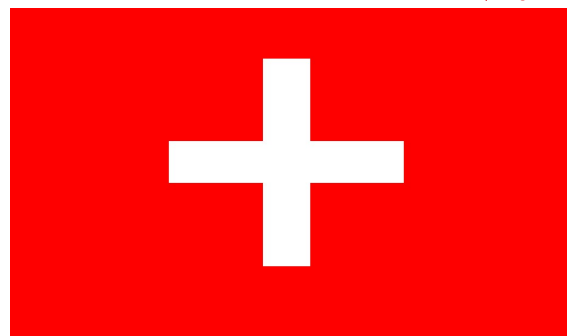
## جمهوری فدرال آلمان



قوه مقننه آلمان از دو مجلس فدرال (بوندستاگ) و شورای ایالات (بوند سرات) تشکیل شده است. نمایندگان مجلس اول با آراء همگانی، مستقیم، برابر و مخفی مردم آلمان انتخاب می‌شوند و قطع نظر از علایق سرزمین خود، نمایندگان کلیه مردم آلمان به شمار می‌روند؛ در حالی که مجلس دوم رکنی است که به واسطه آن سرزمین‌ها (لندرها) عضو کشور فدرال در قانون گذاری و اداره جامعه شرکت داده شده‌اند. شمار نمایندگان در مجلس دوم (شورای فدرال) تابع جمعیت هر سرزمین است. هر سرزمین حداقل سه نماینده دارد، ولی هر گاه جمعیت ایالت از دو میلیون بیشتر شود چهار کرسی و هنگامی که از شش میلیون تجاوز کند پنج کرسی را دارا خواهند شد. اعضای شورای ایالات، نمایندگان حکومت‌های این سرزمین‌ها هستند و عزل و نصب آنها به دست حکومت‌ها صورت می‌گیرد. بنابراین قدرت مجلس اول از هر حیث بیشتر از مجلس دوم است؛ برای مثال مجلس دوم (شورای فدرال) بر خلاف مجلس فدرال، در تعیین صدر اعظم نقشی ندارد و وزیران فقط در برابر مجلس اول مسؤولیت سیاسی دارند. در زمینه قانون گذاری نیز اختیارات شورای فدرال نسبت به مجلس فدرال محدودتر است. شروع و ختم اجلاس مجلس فدرال با تصمیم مجلس است، اما وقتی رئیس جمهور یا صدراعظم یا 13 اعضای مجلس تشکیل اجلاس را بخواهند رئیس مکلف است آن را تشکیل دهد. رئیس مجلس فدرال از بین اعضا حزب قوی‌تر با رأی مخفی انتخاب می‌شود. وی سه نایب رئیس دارد که از بقیه احزاب و به نسبت قدرت آنها انتخاب می‌شوند. این افراد به انضمام چند نفر دیگر از نمایندگان «کمیته شیوخ» را تشکیل می‌دهند که مشاور رئیس مجلس هستند و وظایفی هم دارند. فراقسیون مرکز قدرت است و هر حزب فراقسیونی دارد مشروط بر این که تعداد اعضایش کمتر از پانزده نفر نباشد. فقط اعضای فراقسیون می‌توانند به عضویت کمیسیون‌ها در آیند و به نحو مؤثری در پارلمان فعالیت کنند. نمایندگان از مصونیت و آزادی بیان برخوردارند و تعقیب و بازداشت آنها جز با اجازه مجلس ممکن نیست و هر گاه در حین ارتکاب تا یک روز بعد از آن دستگیر شوند، مجلس می‌تواند در خواست کند که تعقیب موقوف و متهم آزاد شود؛ درخواست مجلس فوراً به مورد اجرا درمی‌آید.

حکومت‌های ایالات برای شرکت در شورای ایالات، چند تن وزیر یا دیگر اعضا عالی رتبه خود را اعزام می‌کنند. تصمیمات شورای ایالات به اکثریت آرای هیأت‌های مزبور معتبر است و آرای ممتنع یا غایب در حکم مخالف می‌باشد. وزیران دولت فدرال حق دارند، و در صورت درخواست شورای ایالات مکلفند، در جلسات عمومی یا کمیسیون‌های شورا حضور یابند و هر موقع که بخواهند عقاید و دیدگاه‌های خود را اظهار کنند. صلاحیت شورا در قانون‌گذاری محدود به مواردی است که در قانون صریحاً پیش‌بینی شده، از جمله کلیه امور به حکومت فدرال. در سایر موارد، شورای ایالات حق در مصوبات مجلس فدرال را دارد، ولی این رد قطعی نیست و موضوع مجدداً در مجلس فدرال مطرح می‌شود و اگر باز هم با اکثریت عادی نظر کلی خود را تأیید کرد، رد شورای ایالات بی اثر می‌شود. شورای فدرال می‌تواند مصوبات مجلس را از هر نوع که باشد ظرف مدت دو هفته از تاریخ وصول، به کمیسیون هماهنگی مشترک دو مجلسی ارجاع دهد. این کمیسیون از یازده نفر نمایندگان شورا و یازده نفر از نمایندگان مجلس فدرال تشکیل می‌شود. در مورد لوایحی که شورا هم باید تصویب کند، حق ارجاع اختلاف به این کمیسیون به مجلس فدرال و به دولت نیز داده شده است. شورای ایالات، بر خلاف مجلس فدرال، در امور اجرایی حکومت مشارکت دارد. رئیس شورا برای مدت یک سال انتخاب می‌شود و بنابر سنت، هر سال نخست وزیر یکی از ایالات به ترتیب این مقام را احراز می‌کند.

## سوئیس





مجلس فدرال سونیس از دو شورا ترکیب یافته است: شورای ملی و شورای دولت‌ها. نمایندگان شورای ملی را همه مردم این کشور به نسبت نفوس کشور انتخاب می‌کنند، در صورتی که اعضای شورای دولت‌ها، بدون توجه به نفوس کانتون‌ها، به قرار دو نماینده از هر کانتون و یک نماینده از هر نیمه کانتون برگزیده می‌شوند. هر دو شورا از حیث اقتدار قانون‌گذاری، در یک سطح قرار دارند؛ اما در قانون اساسی این کشور مواردی پیش‌بینی شده که دو مجلس باید مجتمعاً و مشترکاً اتخاذ تصمیم کنند و چون شمار نمایندگان شورای ملی حدود پنج برابر تعداد نمایندگان شورای دولت‌هاست، طبعاً در این گونه موارد کفه قدرت به سوی شورای ملی سنگینی می‌کند. با این حال در حقوق اساسی سونیس، نظام دو مجلسی تا آن جا که ممکن بوده به سوی برابری قدرت دو مجلس، چه از لحاظ قانون‌گذاری و چه از نظر سیاسی، پیش رفته و به الگوی فدرالیسم کلاسیک نزدیک شده است.

## کانادا



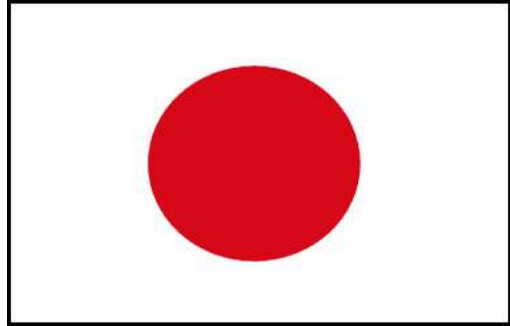
قدرت قانون‌گذاری در کانادا به عهده پارلمان دو مجلسی (مجلس عوام و مجلس سنا) و شخص ملکه است. تعداد نمایندگان مجلس عوام بر اساس جمعیت و مجلس سنا بر اساس نمایندگی منطقه‌ای است. شورا و نمایندگان مجلس سنا از 72 نفر در زمان کنفدراسیون، به 104 نفر در حال حاضر افزایش یافته است. تعداد نمایندگان مجلس عوام هر ده سال یک بار پس از سرشماری تعیین می‌شود. در حال حاضر تعداد نمایندگان مجلس عوام 282 نفر است. رئیس مجلس سنا با حکم فرماندار کل پس از مشورت با نخست‌وزیر تعیین می‌شود. انتخابات عمومی مجلس عوام هر پنج سال یک بار صورت می‌گیرد و به غیر از چند استثناء افراد بیش از هجده سال، حق انتخاب شدن و انتخاب کردن دارند.

سناتورها به نام ملکه، توسط فرماندار کل و با مشاوره نخست‌وزیر انتخاب می‌شوند. تا سال 1965 این انتصاب مادام‌العمر بود، ولی در حال حاضر سن بازنشستگی 75 سال است.

سنا مجری سه عملکرد اساسی است: وظیفه عمده سنا تجدیدنظر در لوایح دولتی به خصوص لوایح پیچیده و تکنیکی احاله شده از مجلس عوام است؛ دومین وظیفه، عملکرد مشورتی و انجام وظیفه به صورت یک «محکمه ملی» است. سناتورها با اعلان دو روزه قبلی می‌توانند بدون هیچ محدودیتی به بحث در خصوص آنچه در دایره منافع ملی کانادا می‌گنجد بپردازند و نقاط ضعف را بازگو کنند. وظیفه سوم، عملکرد نظارتی است. طبق این اقتدار، سنا مجاز است به تفحص درباره مسائل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی کشور بپردازد.

رهبر حزب اکثریت در مجلس عوام، نخست‌وزیر کانادا است و اعضای کابینه عمدتاً از بین اعضای مجلس عوام و به ندرت از بین اعضای سنا انتخاب می‌شوند. این عده در حکم مشاوران ملکه هستند، اما ملکه هیچ تصمیمی را بدون مشورت با آنها اتخاذ نمی‌کند. لوایح ممکن است از مجلس عوام یا سنا نشأت بگیرد. مجلس سنا نمی‌تواند منشأ لوایح مالی باشد. لوایح باید به تصویب دو مجلسی برسد و قبل از این که به صورت قانون درآید، باید به توشیح ملکه برسد. در عمل بیشتر لایحه‌های دولتی از مجلس عوام و لوایح خصوصی از مجلس سنا سرچشمه می‌گیرد؛ اما فارغ از آن که ابتکار طرح با کدام یک از دو مجلس باشد، رأی مثبت هر دو مجلس ضروری است. غالباً سنا در لوایح معرفی شده از مجلس عوام اصلاحاتی انجام می‌دهد یا حتی در بعضی از موارد از تصویب آن امتناع می‌ورزد. در مسیر لوایح معرفی شده از جانب دولت، ابتدا وزیر حامی لایحه، 48 ساعت قبل از معرفی، لایحه را به اطلاع مجلس عوام می‌رساند. در صورت تصویب، لایحه جهت بحث و تصویب به مجلس دیگر ارسال می‌شود. در صورتی که لایحه در مجلس دیگر هم به تصویب برسد برای توشیح ملکه، به فرماندار ارسال می‌گردد. در غیاب فرماندار و جانشینی وی امضای نهایی بر عهده وزیر دادگستری یا یکی از قضات دیوان عالی آن کشور است. امضای نهایی در جلسه ویژه‌ای در مجلس سنا که اعضای هر دو مجلس در آن حضور دارند، انجام می‌شود، لایحه صورت قانونی به خود می‌گیرد.

## نظام پارلمانی جاپان



ساختار نظام پارلمانی جاپان به دنبال انحلال مجلس نمایندگان جاپان در سال گذشته از سوی «جونیچیرو کویزومی» نخست وزیر این کشور، اینک تمام نگاه ها به انتخابات این مجلس دوخته شده است. این انتخابات به دلیل اینکه در درون خودش سیاست های آینده داخلی و خارجی دولت جاپان را نهفته دارد، بسیار مهم شمرده می شود. در نظام سیاسی جاپان هر حزبی که بتواند اکثریت کرسی های مجلس را بدست آورد، سکان دولت توکیو را به دست خواهد گرفت. بر این اساس هم اینک احزاب سیاسی مهم این کشور، فعالیت های انتخاباتی گسترده ای را آغاز کرده اند. اگر چه در حال حاضر رقابت اصلی میان حزب حاکم لیبرال دموکرات به رهبری «جونیچیرو کویزومی» و حزب دموکراتیک به عنوان حزب مخالف به رهبری «کاتسویا اوکادا» در جریان است و باید منتظر رأی نهایی و تعیین کننده مردم به آنها در روز انتخابات نشست.

#### نظام سیاسی جاپان

بر اساس قانون اساسی این کشور قدرت حاکمیت از آن مردم است و دولت نتیجه اعتماد مردم بوده و اختیارات خود را از ملت می گیرد و قدرت ملت توسط نمایندگان مردم اعمال می شود و پارلمان (دایت) سمبول این قدرت است بر اساس اصل 14 قانون اساسی جاپان، این کشور دارای سیستم پارلمانی بوده و پارلمان ملی عالی ترین ارگان حکومت است و هیئت وزیران در برابر آن پاسخگو هستند. پارلمان ژاپن از دو مجلس نمایندگان و مجلس مشاوران تشکیل شده است و دایت از اعضای تشکیل شده است که مستقیماً توسط افراد دارای 20 سال بالاتر انتخاب می شوند. بر اساس اصل 67 و 68 قانون اساسی نخست وزیر باید عضو پارلمان بوده و اغلب اعضای هیئت دولت خود را از میان نمایندگان پارلمان انتخاب کند. بدین ترتیب پارلمان به عنوان هسته نظام حکومتی بر قوه مجریه برتری دارد. لذا در جاپان نظام کابینه پارلمانی اعمال می شود. همانطوری که قبلاً اشاره شد «دایت» متشکل از مجالس نمایندگان و مشاوران به عنوان عالی ترین نهاد قدرت حکومت شناخته شده است و تنها مرجع قانون گذاری محسوب می شود. در مورد رأی گیری برای تعیین نخست وزیر نیز ابتدا این مسأله در مجلس نمایندگان و سپس در مجلس مشاوران صورت می پذیرد و چنانچه مجلسین افراد مختلفی را انتخاب کنند، فرد منتخب مجلس نمایندگان به نخست وزیر انتخاب می شود.

مجلس نمایندگان 084 کرسی دارد و دوره آن چهارساله است اما کابینه جاپان به دنبال پیشنهاد نخست وزیر می تواند به موجب اصول 7 و 45 قانون اساسی آن را منحل کند. پس از جنگ جهانی دوم مجلس نمایندگان جاپان تنها یک بار در سال 6791 میلادی پس از پایان یافتن دوره چهارساله اش، منحل شده است. مجلس نمایندگان بر اساس همین قانون می تواند به کابینه رأی عدم اعتماد بدهد.

بر اساس فصل پنجم قانون اساسی جاپان، اگر مجلس نمایندگان به کابینه رأی عدم اعتماد بدهد کابینه باید به طور دستجمعی استعفا دهد، یا اینکه مجلس نمایندگان باید ظرف ده روز منحل شود. در همین حال می توان گفت، مجلس نمایندگان از لحاظ قانونی دارای جایگاه برتری نسبت به مجلس مشاوران است.

مجلس مشاوران دارای 242 کرسی است که 69 نماینده آن توسط مردم انتخاب می شوند و 641 کرسی آن به تناسب میزان آرای که احزاب مختلف در انتخابات سراسری کسب می کنند از میان نامزدهای معرفی شده احزاب تکمیل می گردد. دوره مجلس مشاوران شش سال است و هر سه سال انتخابات نیمه دوره ای برگزار می شود این مجلس برخلاف مجلس نمایندگان، از سوی کابینه قابل انحلال نیست.

تا پیش از انحلال مجلس نمایندگان از سوی کابینه جاپان از 084 کرسی این مجلس حزب لیبرال دموکرات 942 کرسی، حزب دموکراتیک 671 کرسی، حزب کومیتونوین 43 کرسی، حزب کمونیست 9 کرسی، حزب سوسیال دموکرات 6 کرسی، مستقل ها 3 کرسی در اختیار داشتند و 3 کرسی آن نیز بلا تصدی بود.

در حال حاضر از 242 کرسی مجلس مشاوران، حزب حاکم لیبرال دموکرات 411 کرسی، حزب دموکراتیک، 28 کرسی، حزب کومیتونوین 42 کرسی، حزب کمونیست 9 کرسی، حزب سوسیال دموکرات 6 کرسی، حزب جدید تاسیس کوکومین (حزب مردم) 2 کرسی و مستقل ها 5 کرسی در اختیار دارند.

کمک مالی دولت جاپان

به احزاب سیاسی:

توکیو معتقد است فعالیت احزاب سیاسی برای جلب مشارکت عموم در نظامی مردم سالار، هزینه های مالی دربر دارد، لذا اقدام به دادن یارانه به احزاب این کشور کرده است.

بر اساس قانونی که در سال 1994 در مجلس نمایندگان و مشاوران جاپان به تصویب رسید، بودجه سالانه برای کمک مالی به احزاب سیاسی معادل 250 برابر جمعیت تمام کشور تعیین شده است. این موضوع به معنای آن است که هر جاپانی سالانه 250 ین (حدود دو دالر) صرف فعالیت های سیاسی احزاب می کند. دولت جاپان پس از تصویب این لایحه در سال 1994، نخستین بودجه کمک مالی به احزاب این کشور را (30/9 میلیارد ین) تعیین کرد. شرایط لازم دریافت کمک:

- 1- داشتن بیش از پنج نماینده در مجلس.
- 2- داشتن نماینده در مجلس و دریافت بیش از دو درصد از تمام آرای مردم در آخرین انتخابات عمومی کشور. احزابی که یکی از این دو شرط را دارا باشند، مشمول دریافت کمک از دولت می شوند. این قانون در عین حال احزاب سیاسی را موظف به تهیه گزارشی مشروح در مورد چگونگی و جزییات استفاده از کمک برای ارایه به دولت و مردم کرده است. آخرین آمارهای منتشر شده بیانگر آن است که دولت جاپان پس از انتخابات عمومی مجلس نمایندگان در جنوری سال 2000 میلادی، بودجه کمک مالی به احزاب سیاسی را 31/4 میلیارد ین تعیین کرده است. احزاب سیاسی حلقه وصل قوه مقننه با مجریه ... احزاب سیاسی، حلقه های رابط میان قوه مقننه و مجریه شمرده می شوند. در این گونه نظام ها، احزاب سیاسی علاوه بر ایجاد تسهیل در گردش نخبگان وظیفه نظارت بر دستگاه اجرایی را نیز برعهده دارند. با توجه به این موضوع، در نظام پارلمانی جاپان احزاب مختلف سیاسی جزیی جدایی ناپذیر از این نظام محسوب شده و سرنوشت دولت به ماهیت این احزاب گره خورده است. با این حال باید گفت با نگاهی گذرا به صحنه سیاسی ژاپن ما شاهد حاکمیت تقریباً بلامنازع حزب لیبرال دموکرات هستیم این مسئله با اصول نظام پارلمانی چند حزبی ناهمخوانی داشته و عملاً جاپان را به سوی یک نظام تک حزبی سوق داده است. گفتنی است حزب حاکم لیبرال دموکرات در حدود پنجاه سال گذشته به غیر یازده ماه همواره در جاپان قدرت را در دست داشته است. این حاکمیت انحصاری، این تصور را دامن می زند که قدرت همواره در دست یک حزب و یک نوع تفکر خاص بوده است. بر این مبنا است که برخی معتقد هستند «باتسو» که در فرهنگ جاپانی به معنای «باند» است همچنان به اشکال مختلف در ساختار فرهنگ، سیاست و اقتصاد جاپان به حیات خودش ادامه داده است. آنان می گویند «هاباتسو»، «زای باتسو» و «کان باتسو» که به ترتیب باندهای سیاسی، تجاری و اداری هستند را می توان در قالب سیاستمداران، صاحبان صنایع و دیوان سالاران جدید جاپان دید. در دو نهاد قانونگذاری جاپان نیز گرچه حوزه قدرت نمایی «هاباتسو» است اما باندهای ناشی از ازدواج یا هم خونی «کی باتسو» یا باند دانشگاهیان «گاکو باتسو» هم از نفوذ فراوانی برخوردارند. به هر صورت عده ای می گویند حوزه سیاست در جاپان از دیرباز در انحصار شماری از گروه ها و خانواده ها بوده است. لذا ورود آزادانه سایر افراد به این جرگه گرچه غیرممکن نیست، اما بسیار دشوار است. یا استفاده از: دموکراسی حکومت مردم نیست، قضاوت مردم است، تارنمای وزارت خارجه آمریکا، اعتماد، دیدگاه، قانون و نظام قانون مند - اثری از ویکتور مانایف، پارلمان در افغانستان.